



هنرستان

در روزگار ساسانیان

پرویز حسین طلائی

عضویت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان



ارمنستان در روزگار ساسانیان

نوشته

پرویز حسین طلائى

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۷

سرشناسه	: حسین طلایی، پرویز، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: ارمنستان در روزگار ساسانیان / نوشته پرویز حسین طلایی.
مشخصات نشر	: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۸ ص.
شابک	: 978-964-00-1928-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۳۵ - ۱۴۷.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: ارمنستان -- تاریخ
موضوع	: Armenia (Republic) -- History
موضوع	: ایران -- تاریخ -- ساسانیان، ۲۲۶ - ۶۵۱ ق.م.
موضوع	: Iran -- History -- Sassanids, 226-651
موضوع	: روم -- تاریخ -- امپراتوری، ۲۸۴-۴۷۶
موضوع	: Rome -- History -- Empire, 284 - 476
موضوع	: روم -- روابط خارجی -- ایران
موضوع	: Rome -- Foreign relations -- Iran
موضوع	: ایران -- روابط خارجی -- روم
موضوع	: Iran -- Foreign relations -- Rome
رده بندی کنگره	: DS۱۷۵/ج۴ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۹۳۹/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۶۹۱۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۹۲۸-۳



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱۹۱

ارمنستان در روزگار ساسانیان

© حق چاپ: ۱۳۹۷، مؤسسه انتشارات امیرکبیر

نوبت چاپ: اول

نویسنده: پرویز حسین طلایی

طراح جلد: محمدرضا نبوی

حروف متن: میترا ۱۳

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپ روز

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۱۷۰۰۰۰ ریال

تلفن مرکز فروش: ۰۲۱-۶۱۲۸۰۰۰۰

فروش اینترنتی: www.amirkabir.net

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و باز نویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستند نویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

مقدمه.....	۷
فصل اول: نگاهی گذرا به ارمنستان تا پیدایش ساسانیان.....	۹
۱. موقعیت جغرافیایی ارمنستان.....	۹
۲. منشأ نژادی ارمنی‌ها.....	۱۳
۳. دولت‌های شکل گرفته در ارمنستان تا ظهور مادها.....	۱۶
الف - دولت‌های قبل از اورارتو.....	۱۶
ب - اورارتو.....	۱۷
۴. ارمنستان در دوره مادها و هخامنشیان.....	۱۹
الف - ارمنستان در دوره مادها.....	۱۹
ب - ارمنستان در دوره هخامنشیان.....	۲۱
۵. تأثیر ارمنستان در روابط ایران و روم در دوره سلوکی‌ها و اشکانیان.....	۲۶
الف - تأثیر ارمنستان در روابط ایران و روم در دوره سلوکی‌ها.....	۲۶
ب - تأثیر ارمنستان در روابط ایران و روم در دوره اشکانیان.....	۳۰
ج - سلسله اشکانیان ارمنستان.....	۳۳
فصل دوم: نقش ارمنستان در روابط ایران و روم در دوره ساسانی.....	۳۷
۱. سقوط اشکانیان و واکش ارمنستان و روم.....	۳۷
۲. تسلط ساسانیان بر ارمنستان در قرن سوم میلادی.....	۴۳
الف - پناهنده شدن تیرداد پادشاه ارمنستان به روم.....	۴۷
ب - ارمنستان؛ ولیعهدنشین ایران.....	۴۹
۳. سنگ بنای تقسیم ارمنستان میان ایران و روم.....	۵۱
۴. تلاش‌های ناموفق ایران برای احیای نفوذش در ارمنستان.....	۵۴
۵. ارمنستان نخستین کشور مسیحی.....	۵۸
الف - وضعیت ارمنستان در قرن چهارم میلادی؛ پس از گرایش به مسیحیت.....	۶۱
ب - طرح تقسیم ارمنستان میان ایران و روم.....	۶۸

ج - استقلال هفت ساله ارمنستان.....	۷۰
۶ تقسیم ارمنستان بزرگ میان ایران و روم در سال ۳۸۷ میلادی.....	۷۲
۷. یکپارچگی فرهنگی ارمنستان پس از تقسیم.....	۷۵
الف - نقش کلیسا در وحدت ملی.....	۷۵
ب - خط و زبان ارمنی.....	۸۰
۸ واکنش ساسانیان در برابر اقدامات ارمنی‌ها.....	۸۳
الف - سقوط سلسله اشکانیان ارمنستان.....	۸۳
ب - زردشتی کردن ارمنستان.....	۸۷
۹. دومین تقسیم ارمنستان میان ایران و روم در سال ۵۹۱ میلادی.....	۱۰۱
۱۰. ارمنستان پس از تقسیم ۵۹۱ میلادی تا انقراض ساسانی.....	۱۰۴
فصل سوم: دلایل اهمیت ارمنستان برای ایران و روم در دوره ساسانی.....	۱۱۳
۱. دلایل اقتصادی، تجاری و بازرگانی.....	۱۱۴
۲. مسائل استراتژی، نظامی و راهبردی.....	۱۱۷
سالمشمار تاریخ ارمنستان در پیوند با ایران و روم.....	۱۲۳
منابع.....	۱۳۵
الف - فارسی.....	۱۳۵
ب - لاتین.....	۱۴۱
نمایه.....	۱۴۹

مقدمه

ارمنستان سرزمینی کوهستانی است که در قفقاز و بین سه فلات ایران، بین‌النهرین و آسیای صغیر قرار گرفته است. این سرزمین در روابط ایران و روم همواره به‌عنوان یکی از اسباب کشمکش‌های آن‌ها از آغاز روابطشان در دوره اشکانی (حدود ۹۲ پیش از میلاد در دوره مهرداد دوم) تا پایان دوره ساسانی در اواسط قرن هفتم میلادی مطرح بوده است. در واقع ارمنستان از جمله سرزمین‌های پوشالی و حائل میان شاهنشاهی ایران و امپراتوری روم بود که نقش مهمی را در مناسبات نظامی، سیاسی، اقتصادی، تجاری و مذهبی آن‌ها داشته است. تا جایی که می‌توان گفت بررسی روابط دو قدرت بزرگ باستانی، بدون توجه به ارمنستان غیرممکن می‌نماید. بنابراین به دلایلی از جمله اهمیت این سرزمین برای ایران و روم در دوره باستان، فقر کتابی مستقل از ارمنستان در دوره ساسانی به زبان فارسی و همچنین به خاطر ویژگی خاص تحقیق و پژوهش در دوره ایران باستان که بایستی بخش‌هایی از تاریخ این سرزمین را در منابع کشورهای همسایه مانند ارمنستان و حتی کشورهای رقیب مانند روم جستجو کرد، تألیف چنین کتابی برای پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان تاریخ ایران باستان به‌ویژه دوره ساسانی ضرورت پیدا می‌کند. امید می‌رود چنین کتابی بتواند کمک شایانی در شناخت وضعیت آن زمان داشته باشد و بتواند تصویر روشنی از واقعیت‌های تاریخی این برهه در اختیار بگذارد. پژوهش کنونی آخرین و قطعی‌ترین تحقیق درباره تاریخ ارمنستان در روزگار ساسانیان نیست و موضوعات زیادی در این باره باقی‌مانده که امید می‌رود دیگران به آنان بپردازند.

شایان ذکر است که کتاب حاضر حاصل تحقیق و پژوهش چندین ساله نگارنده در این حوزه بوده است و بایستی گفت که مبنای پژوهش کنونی رساله کارشناسی ارشد من در دانشگاه تهران است. در نگارش کتاب سعی شده که ابتدا از منابع اصلی ارمنی، ایرانی و رومی استفاده شود و در کنار آن‌ها از تحقیقات جدید مهم داخلی و خارجی برای اثبات و نفی مدعا بهره گرفته شده است.

فصل اول

نگاهی گذرا به ارمنستان تا پیدایش ساسانیان

۱. موقعیت جغرافیایی ارمنستان

زندگی ملت ارمنی در سرزمینی جریان یافته است که در جغرافیا به نام سرزمین کوهستانی ارمنستان یا فلات ارمنستان معروف است. فلات ارمنستان را سه فلات ایران، بین‌النهرین و آناتولی در میان گرفته‌اند (عنبرچیان، ۱۳۸۱: ۱). این فلات با چندین رشته جبال و آتشفشان‌های خود معروف بوده و بین ۳۷۳۰ تا ۴۱۱۵ عرض شمالی و ۳۸ تا ۴۷ درجه طول شرقی محدود است (سارگسیان، ۱۳۶۰: ۱). سطح کل تقریبی ارمنستان ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع با ۱۱۵۰۰ مایل مربع برای ارمینه تخمین زده شده است (لاتگ؛ واکر، ۱۳۶۱: ۷). این سرزمین از شمال به کلخید یا ایبری و آلبانی و از جنوب به آشور، ماد و بین‌النهرین محدود می‌شد و از مغرب به مشرق گرفته تا ملتقای رود کورش «کورا» به ارس امتداد داشت، حدود غربی آن نیز به کاپادوکیه می‌رسید (کوهساری، ۱۳۸۳: ۶۶؛ آقاسی، پادماگریان، ۱۳۵۲: ۱۸). درباره موقعیت جغرافیایی ارمنستان در دایرة المعارف اسلام آمده است که ارمنستان در منطقه قفقاز و در مرتفع‌ترین قسمت آن قرار گرفته است که بین دو رشته کوه پونیک در شمال و توروس در جنوب محصور شده است. همچنین این سرزمین بین آسیای صغیر در غرب فرات، آذربایجان و منطقه جنوب دریای خزر در شرق و منطقه پونیک در شمال غرب و منطقه قفقاز در شمال و دشت بین‌النهرین در جنوب واقع شده است

(The Encyclopaedia of Islam, 1960: 634)؛ برای اطلاعات بیشتر بنگرید به (Hewsen, 1997: 1-5).

ارمنستان دارای کوهستان‌هایی است که به مثابه حصارهای طبیعی می‌باشند که بر پیرامونشان مسلط هستند. این ویژگی باعث می‌شد که این سرزمین از تهاجم شمال و جنوب در امان بماند و به‌ندرت آسیب ببیند؛ ولی این ویژگی در جانب شرقی و غربی قابل تطبیق نیست و حصارهای طبیعی این مناطق چندان استوار نیستند. البته باید گفت که در همین مناطق است که راه‌های تاخت و تاز باز و از همان‌جا هم راه‌های عمده بازرگانی می‌گذرد. پس این پاره از زمین بسیاری از جنبه‌های تاریخ ارمنستان را بازگو می‌کند (درنرسیان، ۲۵۳۷: ۷).

فلات ارمنستان که پوشیده از کوه‌های بی‌شمار است و به‌درستی آن را «جزیره کوه‌ها» نامیده‌اند. (عنبرچیان، ۱۳۸۱: ۱) اما در میان رشته‌کوه‌های ارمنستان مناطق مرتفع، جلگه‌ها و دشت‌های حاصلخیز قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین این‌ها که در تاریخ ارمنستان نقش اقتصادی بزرگی را ایفا نموده‌اند، دشت‌های آرارات، تارون «یاموش»، خاربرد، یرزنکا، باگراوند «آلاشگرد» و شیراک می‌باشند (سارگسیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۳). این ویژگی باعث شده بود که در ادوار کهن، فلات ارمنستان را «سرزمین میانی» بنامند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵: ۶۷۹؛ برای اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به Hewsen, 1997: 6). مناطق ارمنستان، به‌ویژه وادی رود ارس و ناحیه وان به‌طور حیرت‌آور زیبا و حاصلخیز است. این امر به نظری که حاکی از این بود که ارمنستان جایگاه باغ عدن مذکور در کتاب مقدس است، عینیت می‌بخشد. (لانگ؛ واکر، ۱۳۶۱: ۸)

درواقع می‌توان گفت ارمنستان سرزمینی است گردنکش و در عین دشوار بودن حاصلخیز است. آب و هوای این سرزمین اصولاً بری است به‌طوری‌که هم دارای زمستان‌های بسیار سرد است و هم تابستان‌های بسیار گرم (پاسدراجیان، ۱۳۶۹: ۱۱). چنان که گزنفون دربارهٔ زمستان ارمنستان که سپاهیان از آنجا عبور کردند

در کتاب خود/لشکرکشی کوروش یا آنابازیس^۱ می‌نویسد: سربازانی هم که برف کورشان کرده بود یا سرما پایشان را سیاه کرده بود به حال خود رها شدند (گزنفون، ۱۳۷۵: کتاب چهارم، فصل پنجم، ۱۲: ۲۸۴).

ارمنستان از حیث فلزات قیمتی و نیمه‌قیمتی و معادن زیرزمینی بسیار غنی است (لانگ؛ واکر، ۱۳۶۱: ۸). زر و سیم و مس و آهن و معدن‌های عمده نمک و براکس و آرسنیک در دریاچه وان فراوان است (درنرسیان، ۲۵۳۷: ۶).

این فلات همچنین دارای دریاچه‌هایی می‌باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به دریاچه‌های ذیل اشاره کرد: ۱. دریاچه وان، دریاچه‌ای بسته است و ۱۵۹۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. ۲. دریاچه سوان که در شمال شرقی ارمنستان قرار گرفته و به‌وسیله یک رشته‌کوه محصور شده است. ۳. دریاچه ارومیه که در جنوب شرقی ارمنستان خارج از محدوده ارمنستان تاریخی است، اما می‌توان گفت بخشی از همان مجموعه جغرافیایی را تشکیل می‌دهد (بهزادی، ۱۳۶۲: ۶۱ - ۶۲). از طرفی دیگر ارمنستان مهد بزرگ‌ترین رودها از جمله فرات، دجله، آراکس و کر نیز محسوب می‌گردد (Hewsen, 1997: 7-10; The Encyclopaedia of Islam, 1960: 634).

در این باره بطلمیوس در کتاب جغرافیای خود آورده است (مارکوارت، ۱۳۸۳: ۳۸) که کلیه نهرهای کوهستانی ارمنستان به دجله سرازیر می‌شود. یکی از این نهرها عبارت است از: کلیرت که از کوهستان‌های سالین و سناسون سرچشمه می‌گیرد و جریان آن باعث جدایی نهرکرت و کیلمر می‌شود اینجا محلی است که پارسی‌ها و رومی‌ها را از یکدیگر جدا می‌سازد که به نام شطیط ماء مشهور شده است.

از لحاظ استراتژیکی، ارمنستان یکی از نقاط رابط یا به عبارت دیگر یکی از منزله‌ها بر سر راه جادهٔ ابریشم بوده که اروپا را به خاور دور وصل می‌کرده است (پاسدراجیان، ۱۳۶۹: ۱۵). همچنین جادهٔ شاهی که به‌وسیلهٔ داریوش اول پایه‌گذاری شد نیز از ارمنستان عبور می‌کرد. براساس گفته‌های هرودوت «جادهٔ شاهی در

۱. کتاب معروف گزنفون یعنی آنابازیس دربارهٔ لشکرکشی و عقب‌نشینی سپاهیان مزدور یونانی کوروش کوچک در جنگ با اردشیر دوم هخامنشی است.

ارمنستان ۵۶ فرسخ بود که ۱۵ ایستگاه داشت» (Herodotus, Book V, LII. P. 173-174). مجموعه عواملی که به آن‌ها اشاره شد، باعث گردیده که ارمنستان را با وجود آب و هوای سختش تبدیل به سرزمینی کند که در بیگانگان، هم باعث ایجاد حس علاقه و دلپستگی شدید شده و هم چشم طمع آنان را به سوی خود جذب کند (پاسدراجیان، ۱۳۶۹: ۱۲).

بنابراین باید گفت که این کشور در طول تاریخ چندین هزارساله انسان در منطقه خاورمیانه، همواره محل تلاقی اندیشه‌ها و تمدن‌های بزرگ بوده است (روشندل، قلی‌پور، ۱۳۷۷: ۲۹). این موقعیت مناسب، یعنی واقع شدن بر سر چهار راه جریان‌های بزرگ، از سویی تأثیر مساعدی روی فرهنگ و تمدن آن داشته و از دیگر سوی، آن را بر سر راه تمامی حملات بزرگ آسیا به جنوب شرقی اروپا نیز قرار داده است. همان‌طور که گفته شد این سرزمین کوهستانی دارای کوه‌های بلندی است که به‌طور طبیعی تکه‌تکه شده‌اند، این وضعیت گرایش به خودمختاری و تجزیه و تفرقه را در این سرزمین در طول تاریخ تقویت کرده است؛ چنان که در طول تاریخ این سرزمین، همواره نجبای محلی نیرومند و جاه‌طلب دیده می‌شود که در دوره‌های خاصی یک زندگی مستقل یا خودمختار را برای خود برپا کرده‌اند. ویژگی یاد شده اغلب ارمنستان را تبدیل به میدان جنگ کرده است. از طرف دیگر، در دوره تسلط بیگانگان، هرگز یک امپراتوری یا یک قدرت همسایه موفق به تسلط بر تمامی فلات مرتفع ارمنستان نشده است. این همان عاملی است که دوام و بقای ملت ارمنی را تأمین کرده، در عین حال، سرزمین ایشان را نیز تبدیل به صحنه جنگ‌های دائمی نموده است (پاسدراجیان، ۱۳۶۹: ۱۶).

به‌طور کلی از نقطه نظر استراتژیک، ویژگی کوهستانی بودن این کشور باعث شده که ارمنستان همواره از دیدگاه امپراتوری‌های بزرگ به‌عنوان دژی طبیعی نگریسته شود که اگر مرزهای امپراتوری در آنجا قرار گیرد، می‌تواند به‌عنوان یک حصار طبیعی، امنیت ملی امپراتوری را تضمین نماید. نگاهی به تاریخ ارمنستان، این دیدگاه استراتژیک را به‌خوبی نمایان می‌سازد (روشندل، قلی‌پور، ۱۳۷۷: ۲۹).

۲. منشأ نژادی ارمنی‌ها

درباره خاستگاه ارمنیان هیچ سندی در دست نیست (Schmitt, 1987: 417) و آغاز تاریخ آنان تا به امروز مجهول مانده است. اما در روایات ارامنه چند افسانه هست که به ریشه ارمنیان اشاره می‌کند. مهم‌ترین آن‌ها اشاره‌ای است که موسی خورنی درباره بل و هایک «قهرمان و سردسته ارمنی‌ها که خود را هایک می‌نامد نه ارمنی» می‌آورد. موسی خورنی، مورخ ارمنی قرن پنجم میلادی^۱، در کتاب ارمنیان می‌نویسد که هایک از اخلاف یافت پسر نوح (موسی خورنی، ۱۳۸۰: کتاب اول، ۱۲، ۸۳)، علیه بل از تیتان‌ها، پس از تخریب بابل، شورش کرد و پس از آنکه همه خانواده‌اش را با خود برد، به سرزمین آرارات^۲ در شمال رفت. در راه، در کنار کوهی توقف نمود و یک کوچ‌نشین در آنجا تأسیس کرد که آن را به نوه خود به نام آرمناک پسر کادموس داد. بل، پس از شنیدن خبر نافرمانی هایک، با سپاهی به مقابله او شتافت. رویارویی آن‌ها در کنار دریاچه وان صورت گرفت. نبردی قهرمانانه درگرفت و هایک که تیراندازی ماهر بود، سیئه بل را هدف تیر قرار داد. سپس هایک به یادبود پیروزی خود در جایگاه کارزار دستگردی ساخت و آن را «هایک» نامید. موسی خورنی به دنبال آن می‌نویسد که کشور ما از نیای ما ریشه گرفته و هایک نامیده شده است. (موسی خورنی، ۱۳۸۰: کتاب اول، ۱۱، ۷۷ - ۷۹). درحالی که تنی چند از دانشمندان از جمله پیوتروفسکی نام «های» را با واژه هاتی که نام حتیان بوده مربوط دانسته‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵: ۶۷۶). در این زمینه محققان به یک جمع‌بندی نهایی نرسیده‌اند. این در حالی است که آقاسی و پادماگریان در کتاب خود تاریخ سیاسی

۱. برخی از مورخین اعتقاد دارند که وی مورخ قرن هشتم میلادی بوده است، اما باید گفت که دراین‌باره تا به امروز توافق نهایی حاصل نشده است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به مقاله موسی خورنی (MOVSEŠ XORENAC'I) در ایرانیکا (Encyclopaedia Iranica, Online www. iranica. Com).

۲. کوه آرارات برای ارمنیان اهمیت خاصی دارد زیرا سمبل سرزمین آن‌هاست و همچنین امروزه مظهر شناخت ملی آنان به‌شمار می‌رود (آقاسی، پادماگریان، ۱۳۵۲: ۱۹).

و اجتماعی/ارمنه آورده‌اند که ارمنیان در زبان محلی خود را هایستان می‌نامند؛ سرزمین ارمنستان از نظر بومیان وطن پرست، همان باغ ارم بوده، به روایتی که در تورات (سفر پیدایش ۴ - ۸) آمده، همان جایی است که کشتی نوح بر کوه آرارات نشست (آقاسی؛ پادماگریان، ۱۳۵۲: ۱۸ - ۱۹).

همچنین از داستان‌های اساطیری ایران چنین بر می‌آید، که با ایرانیان از یک نژاد بوده‌اند و یکی از فرزندان کيقباد، شهریار ایران، پادشاه آن سرزمین بوده است. فردوسی در شاهنامه، درباره آمدن کيقباد به استخر و فرزندان او آورده است:

وز آنجا سوی پارس لشکر کشید	که در پارس بد گنجه‌ها را کلید
نشستگاه آن گه باستخر بود	کیان را بدان جایگه فخر بود
بدین گونه صد سال شادان بزیست	نگر تا چنین در جهان شاه کیست
پسر بد مر او را خردمند چار	که بودند ازو در جهان یادگار
نخستین چه کاوس با آفرین	کی آرش دوم و دگر کی پشین

چهارمین کی آرمین «آرشش» کجا بود نام سپردند گیتی به آرام و کام (فردوسی، ۱۳۸۶: ۳۵۶ - ۳۵۷؛ مقایسه شود با فردوسی، ۱۳۷۴: ۸۲).^۱

کی به معنی پادشاه است و آرمین به معنی ارمنستان و مجموع آن دو لقب شاهزادگان ایرانی است که در آن مرز و بوم فرمانروایی داشتند (اعظمی سنگسری، ۱۳۵۰: ۳۲ - ۳۳).

علاوه بر گفته‌های بالا باید گفت که در فاصله بین قرن بیستم و دهم پیش از میلاد مسیح، مردم هند در اروپا و در خاور زمین پیدا شده‌اند ارمنیان نیز از همین مردم هند و اروپاییان هستند که مراحل اولیه آن‌ها در قلمرو اورارتو و درآمیختن آنان با مردم بومی بوده است. هرودوت در کتاب خود *تواریخ*، درباره منشأ ارمنیان می‌نویسد: ارمنیان از فریژی مهاجرت کردند و در آغاز مستعمره‌نشین آنان بوده‌اند (Herodotus, Book VII, LXXIII, p. 11). استرابو نیز بر درستی داستان

۱. در شاهنامه به تصحیح ژول مول چهارمین پسر کی آرمین آمده، اما در شاهنامه به کوشش خالقی مطلق به جای کی آرمین، کی آرشش آمده است.

نامحتمل خود مبنی بر اینکه نیای ارمنیان مردی از سرزمین تسالی، به نام آرمئوس بوده که در سفر جاسون و آرگونایوت‌ها به کولخیس آن‌ها را همراهی می‌کرد، پای می‌فشارد (strabo, XI, 14. 12). از مطالب هرودوت و استرابون چنین بر می‌آید که آنان معتقد به خاستگاهی تراکو - فریژیایی برای ملت ارمنی هستند، اما تاکنون هیچ‌یک از شواهد باستان‌شناختی این نظر را تأیید نکرده‌اند (برنی؛ لانگ، ۱۳۸۶: ۲۷۸).

ورود ارمنی‌ها به سرزمین اورارتو یا ارمنستان اولیه، خواه از سمت مشرق و پس از عبور از قفقاز به اتفاق یک قوم هند و اروپایی دیگر به نام کیمری‌ها بوده، و خواه از سمت مغرب و پس از عبور از بالکان و آسیای صغیر به اتفاق یک قوم هند و اروپایی دیگر به نام فریگی‌ها که با هم‌خویشاوند اروپایی از طریق بالکان به ارمنستان آمده‌اند، امروزه در دنیای علمی مقبولیت بیشتری یافته است (پاسدراماجیان، ۱۳۶۹: ۲۱).

با توجه به نظریاتی که درباره منشأ نژادی ارمنی‌ها آمد، می‌توان نتیجه گرفت که ملت ارمنی از ادغام تدریجی قوم‌ها و ملل ساکن در فلات ارمنستان به‌وجود آمده و آن‌ها هسته مرکزی ملت ارمنی را هم تشکیل داده‌اند. از این اقوام می‌بایست گفت تأثیر اقوام خوری - اورارتو چشمگیر است که در فلات ارمنستان پخش شده بودند (Russell, 1997: 34). اما تأثیر هت - لوویا کم نیست. قوم‌های هاپاسا نام خود را به ملت ارمنی داده‌اند که این نامگذاری از سوی خود ارامنه می‌باشد (فرای، ۱۳۸۵: ۱۰۸). جدا از آن‌ها، ارمن‌های هند و اروپایی نیز در تشکیل ملت ارمنی نقش داشته‌اند و در جریان مهاجرت عظیم اقوام «به‌اصطلاح ملل دریا» در قرن ۱۲-۱۳ پیش از میلاد همراه با هم‌نژادهای تراکیا - فریوگیایی از بالکان به آسیای صغیر و بعد به فلات ارمنستان آمده بودند (سارگسیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۳۶).

با ورود این اقوام، ساکنان قدیمی ارمنستان «اورارتو» نابود نشدند، بلکه با این عناصر مهاجم درآمیختند. اگرچه آن‌ها هویت قومی قدیمی خویش را تا اندازه زیادی نگاه داشتند، لیکن یک زبان جدید را که عضو مجزا و مشخص گروه هند و اروپایی است، پذیرفتند (لانگ؛ واکر، ۱۳۶۱: ۹).

ناتسن بعد از بیان اینکه نام ارمنستان نخستین بار در کتیبه بیستون آمده، می‌نویسد: این واقعیت که نام مزبور به‌طور ناگهانی نمایان می‌گردد و از حالا به بعد یگانه نامی است که هم برای کشور و هم برای مردم آن استفاده می‌گردد، به نظر می‌رسد گویای این امر باشد که در دوره‌ای که آخرین بار نام اورارتو و خالديا «بیانیا» در کتیبه‌های آشوری و اورارتویی برده شده، مردم دیگری (ارمنیان) داخل شده و این کشور را در سده ششم پیش از میلاد اشغال کرده باشند (Nansen, 1925: 232-233). بدین ترتیب ناتسن، ورود ارمنیان به سرزمینشان را مربوط به اوایل سده ششم پیش از میلاد می‌داند. در واقع می‌توان گفت که اولین منبعی که در آن نامی از ارمنستان برده شده، کتیبه بیستون است که توسط داریوش اول در سال ۵۱۸ پیش از میلاد بر سر راه اصلی بابل به اکباتان به‌وجود آمده است (Russell, 1997: 19). شایان ذکر است که در متون پهلوی و پارسی دوره ساسانیان از ارمنستان با عنوان ارمن (فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹: ۱۳۴) یاد شده است.

۳. دولت‌های شکل گرفته در ارمنستان تا ظهور مادها

الف - دولت‌های قبل از اورارتو

بنا بر کاوش‌ها و تحقیقات باستان‌شناسان، سواری‌ها قدیمی‌ترین قومی بودند که در سرزمین ارمنستان می‌زیستند. در هزاره دوم قبل از میلاد، خاریمیدانی‌ها به ارمنستان هجوم آورده و بساط استقلال سواری‌ها را برچیدند (مشکور، ۱۳۴۵: ۲). سپس اقوام جدید دیگری پس از آن‌ها به این سرزمین آمدند که می‌توان به هوری‌ها یا هیتی‌ها، اورارتوها و هند و اروپایی‌ها اشاره کرد. نخستین آثار مکتوبی که راجع به مردم سرزمین ارمنستان یافته‌اند، همانا کتیبه‌های حتی یا هتی بغاز کوی است. سالنامه‌های سویلوولیوماس «حدود ۱۳۸۸ - ۱۳۴۷ ق.م» و مارسیلیس اول «حدود ۱۳۴۷ - ۱۳۲۰ ق.م» از پیکرهایی که با دودمان هیاسا - آزی و نیز ساکنان جنوبی‌تر شوما و ایشوا و آلسی در گرفته بود، یاد می‌کند (درنرسیان، ۲۵۳۷: ۹). در سالنامه‌های آشوری نیز به اقوام نایبری اشاره شده است که آن‌ها اتحادیه‌ای از پادشاهان کوچک

در منطقه جنوب دریای وان را به وجود آورده بودند که مغلوب توکولتی نینورتای اول شده بودند (بهزادی، ۱۳۸۶: ۶۲).

ب - اورارتو

فشار کارگزاران امپراتوری آشور بر اقوام منطقه موجب گردید (آقاسی، پادماگریان، ۱۳۵۲: ۲۱) که اقوام نایبری، هایا یا یکدیگر متحد شده و در اطراف دریای وان در سال ۸۶۰ پیش از میلاد تحت رهبری آرامه حکومت اورارتو را به وجود آورند (روشندل، قلی‌پور، ۱۳۷۳: ۹ - ۱۰). در کتاب مقدس نام مزبور به صورت آرات آمده است. دولت اورارتو به نام دولت وان نیز نامیده شده است (پیوتروفسکی، ۱۳۴۸: ۱۶)، چرا که پایتخت آن‌ها در آنجا بوده است (آقاسی، پادماگریان، ۱۳۵۲: ۲۰). همچنین درنرسیسان در کتاب خود/رمنیان می‌آورد که: اورارتوها گویا یکی از گروه‌های اتحادیه نایبری از تبار هوری‌ها بودند که بر دیگران سروری یافتند و یک حکومت مرکزی نیرومند بنیاد نهادند (درنرسیسان، ۲۵۳۷: ۱۰). به‌زودی پس از آن، اورارتوها که خودشان را بیانیلی می‌نامیدند و احتمالاً از هوریان‌ها گرفته بودند، شروع به تصرف نواحی اطرافشان کردند و در قرن نهم پیش از میلاد آن‌ها نخستین پادشاهی را در سرزمینی که بعداً ارمنستان نامیده شد، به وجود آوردند (Bournoution, 1995: 12).

در واقع اورارتویان نخستین کسانی بودند که به معنای واقعی کلمه در سرزمین ارمنستان موفق به تشکیل حکومت واقعی شده‌اند. آنچه درباره ارمنستان اولیه یا اورارتو باید گفت این است که آن ملت، رقیب یا حریفی سهمناک برای امپراتوری آشور و صرف‌نظر از مصر، نخستین سازمان سیاسی بزرگی بوده است که تاریخ به یاد دارد (پاسدروماجیان، ۱۳۶۹: ۱۹). بابلیان کشور کوهستانی شمال، مشرق قسمت علیای دجله را با نام گوتیوم می‌شناختند. احتمالاً اصطلاح گوتیوم یا کوتیوم در ادوار مختلف هزاره اول پیش از میلاد درباره اورارتو و اقوام دیگری مانند مانناها و مادها و پارسیان به کار برده می‌شد. در متن سنگ‌نوشته آشوربانیپال این اصطلاح به کار رفته است (Nansen, 1925: 228).

اهمیت فراوان این دولت در منطقه آسیای مقدم به نیمه سده نهم پیش از میلاد بر می‌گردد. در این زمان اورارتو حریف سهمنانی برای امپراتوری آشور و مانعی مهم در برابر لشکرکشی‌های آشوریان به سمت شمال بود. پادشاهان آشور به جنگ‌های فراوانی برای استیلا یافتن بر اورارتو دست زدند، لیکن در سرزمینی که مختصات طبیعی آن «داشتن کوه‌ها» به‌خصوص برای دفاع مناسب بود و با فضاهاى باز و مسطح خاورمیانه که عملیات جنگی در آن برای لشکریان آشور امری عادى بود، زیاد تفاوت داشت، با مقاومت‌های سرسختانه‌ای روبرو شدند. در واقع به‌سبب همین مقاومت‌های شکست‌ناپذیر اورارتو بود که فلات ارمنستان و آسیای صغیر زیر سلطه آشور درنیامدند و امروزه جزو دنیای سامی‌نژادان نیستند (پاسدرماجیان، ۱۳۶۹: ۱۹).

پایان کار اورارتو، مانند آغازش، پوشیده در تاریکی است و روایت مکتوبی در این مورد در اختیار نداریم. در حدود سال ۶۰۰ پیش از میلاد، اورارتو توسط مهاجمان متعددی از جمله اسکیتیان «کیمیری‌ها»، مادیان و برخی از مردم دیگر که خود را «هیاسا» می‌نامیدند و از آناتولی مرکزی نزدیک حکومت هتیان می‌آمدند، مورد تاخت‌وتاز قرار گرفت (لانگ، واکر، ۱۳۶۱: ۹). پس به‌طور کلی می‌توان گفت تمامی عوامل یاد شده در بالا (از جمله اسکیت‌ها، ارمنیان و مادها)، در اضمحلال اورارتو مؤثر بوده‌اند (برنی؛ لانگ، ۱۳۸۶: ۲۶۸؛ ۱۴-۱۶: Bourmouton, 1995) و تا پایان سده هفتم پیش از میلاد اورارتو به‌عنوان بخشی از امپراتوری ماد، از صحنه تاریخ ناپدید شد. در هنگام انقراض آشور، از اورارتو به‌عنوان نیروی فعال یاد نشده و به جای اورارتویی‌ها، آرامنه که به نیروی عظیمی مبدل گشته بودند، سخن به میان رفته است. در حدود شصت تا هفتاد سال پس از انقراض اورارتو، یعنی در سال ۵۲۰ پیش از میلاد برای اولین بار در نمونه پارسی، بابلی و ایلامی کتیبه سه زبانه داریوش، از سرزمین ارمنیا یاد شده است. واژه «ارمنیا» از لحاظ فونوتیکی در زبان ایلامی به‌عنوان «Har-mi-nu-ya» تلفظ می‌شود. و در کتیبه‌های بابلی به صورت اوراشتو «Urartu» و «Urartean» آمده است (Schmitt, 1987: 417). بنابراین اورارتو تبدیل به آرمنیا شده است. بدین ترتیب حکومتی تحت نام آرمنیا، در حدود سال ۵۲۰ پیش از میلاد جانشین حکومت منقرض شده اورارتو گردیده است، زیرا قسمت

اعظم وسعت این سرزمین دهه‌ها قبل از جریان تشکیل مردم ارمنی، در دست آن‌ها قرار داشت (سارگسیان، ۱۳۶۰: ۴۱).

۴. ارمنستان در دوره مادها و هخامنشیان

الف - ارمنستان در دوره مادها

برای بررسی روابط ایران با ارمنی‌ها در دوره مادها ابتدا می‌بایست به دوره‌ای اشاره کرد که مادها هنوز قدرت منسجم خود را به‌دست نیاورده بودند و ناچار بودند برای حفظ خود در مقابل خطرات خارجی با اورارتو متحد شوند. به این ترتیب اولین برخورد تاریخی دولت اورارتو با دولت ماد در زمان روسای اول صورت گرفت. روسای، با درایت سیاسی خاصی که داشت با کمک رؤسای مختلف قبایل کوچک و بزرگ موفق به برقراری پیوند میان آنان شد (دیاکونوف، ۱۳۸۴: ۵۱؛ بهمنش، ۱۳۴۷: ۳۲۵). پس از این اقدام، وی برای آنکه موقعیت خود را در برابر حملات آشور مستحکم کند مصمم به ایجاد اتحاد میان اورارتو و قبایل دیگر شد. گیرشمن در این رابطه می‌نویسد: روسای اول پس از حمله به دیگر قبایل، نخست آن‌ها را مطیع و سپس اقدام به ایجاد اتحاد میان دولت خود و آنان کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به اتحاد میان او و دیاکو، که در اصل اولین اتحاد دو تمدن باستانی اورارتو و ماد است، اشاره کرد (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۹۴ - ۹۵). اتحاد مذکور با عدم موفقیت مواجه گردید. بدین صورت که با اتحاد قبایل مختلف ماد و اورارتو، مادها نیز جزو اهداف مستقیم آشوریان قرار گرفتند و با حمله سارگن، پادشاه آشور به ماد، تعدادی از رؤسای قبایل ماد مطیع آنان شدند (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به دیاکونوف، ۱۳۸۴: ۵۲؛ زرین کوب، ۱۳۸۶: ۷۵).

پس از چندی، مادها توانستند قبایل مختلف را به اتحاد خود درآورند و برای خود حکومتی دست و پا کنند. در این دوره بود که همسایگان مجاور از جمله اورارتو را به تصرف خود درآوردند. همان‌طور که در مطالب قبلی اشاره شد، با توجه به ذکر نام آرمینا در کتیبه بیستون، بایستی حکومتی تحت نام آرمینا در سال‌های ۵۲۰ پیش از

میلاد به وجود آمده باشد، ولی نه اینکه در همان زمان تأسیس شده باشد، بلکه شصت تا هفتاد سال قبل جانشین حکومت منقرض شدهٔ اورارتو شده بود. اما در این کتیبه و دیگر کتیبه‌های فارسی باستان که نام مردم و کشورها آمده، به منطقه‌ای دقیق اشاره ندارد که مردم همان سرزمین، ساکن آن بوده‌اند (Schmitt, 1987: 417).

بنابراین باید گفت که ارمنی‌ها در اواخر سدهٔ هفتم پیش از میلاد به عنوان هم‌پیمان ماد ظاهر می‌شوند. چنان که موسی خورنی آورده است که یک شاهزادهٔ ارمنی به نام بارویر فرزند اسکایوردی در فتح نینوا توسط مادها و بابلی‌ها، شرکت داشته و به مادها یاری رسانده است. چنان که در این رابطه می‌نویسد: بارویر ما معاصر سارداناپال بود. او برای برانداختن پادشاهی سارداناپال کمک کمی به واریاکس مادی نداده است. در ادامه نیز می‌آورد: واریاکس زادهٔ ماد بارویر را نیز با قول شکوه و جلال پادشاهی به سوی خود جلب کرد، اینک من بسیار شاد هستم و احساس خوشی بسیار می‌کنم، زیرا به جاهایی می‌رسم که اخلاف پیشوای بومی ما به درجهٔ پادشاهی می‌رسند (موسی خورنی، ۱۳۸۰: کتاب اول، ۲۱، ۹۷). بنابراین بارویر به پاداش خدماتی که به فاتحان کرد، به مقام سلطنت ارمنستان نیز ارتقا یافت و به مثابه اولین پادشاه ارمنی و رهبر سرزمین ارمنه یا اورمه در عرصهٔ تاریخ ظاهر شد (موسی خورنی، ۱۳۸۰: کتاب اول، ۲۲، ۹۹؛ برای اطلاعات بیشتر بنگرید به پاسدروماجیان، ۱۳۶۹: ۲۶؛ نوری‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۲).

فاتحان آشور، مادها و بابلی‌ها، پس از نینوا، دو امپراتوری تازه بنیاد نهادند و متصرفات آشور را میان خود تقسیم کردند، در این تقسیم ارمنستان جزو قلمرو مادها درآمد (پاسدروماجیان، ۱۳۶۹: ۲۶). گرچه حکومت ارمنستان به صورت پادشاهی محفوظ ماند، اما در زیر سلطهٔ مادها مجبور به دادن خراج بود (سارگسیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۴۱). پس از آن ارامنه در پی آن بودند که استقلال خود را به دست آورند.

با فروپاشی امپراتوری آشور، دولت ماد مجبور بود بیشتر به وقایع شمال آسیای صغیر بپردازد زیرا در آنجا دولت لیدییه وارث فریژییه و شهرهای فینیقیه شده و شروع به دست‌اندازی به قلمرو ارامنهٔ اورارتو نمود و در عین حال از سکاهای علیه آن‌ها

پشتیبانی می‌کرد. بنابراین چندی نگذشت که میان دولت ماد و لیدیه (هوخستره و آلیات) در میان سال‌های ۵۹۰ - ۵۸۵ پیش از میلاد درگیری اتفاق داد که در نهایت به صلح منتهی شد و رود هالیس «قزل ایرماق» به عنوان سرحد دولتین تعیین گردید (Herodotus, Book I, LXXIV). با این صلح که در سال ۵۸۵ پیش از میلاد بسته شد، ارمنستان رسماً ضمیمه قلمرو مادها گردید (دیاکونوف، ۱۳۸۴: ۶۲ - ۶۳؛ برای اطلاعات بیشتر بنگرید به رجبی، ۱۳۸۷: ۸۱).

البته ناگفته نماند که برخی منابع تسلط بر ارمنستان را به سال‌های قبل ارتباط می‌دهند. در این رابطه دیاکونوف بر طبق آنچه در کتیبه‌های بابلی آمده، آورده است که مادها در زمان کیاکسار (هوخستره) بین سال‌های ۶۱۰ - ۶۰۹ پیش از میلاد توانستند پایتخت باستانی اورارتو، یعنی شهر توشبا را تسخیر کنند (دیاکونوف، ۱۳۷۹: ۲۹۰). اما ظاهراً هوخستره حکومت ارمنستان را به دست یک شاهزاده ارمنی سپرده بود. این اقدام به سیاست مادی‌ها بر می‌گردد که حاکمان محلی را برای کنترل بر قلمرو وسیع خود در نظر می‌گرفتند. به پیروی از این سیاست اعضای خانواده یرواندی‌ها را بر ایالت ارمنستان در نظر گرفتند (Bournoution, 1995: 26). با توجه به مسائل بالا می‌بایست عنوان کرد که به نظر می‌رسد مادها توانسته باشند بعد از جنگ با لیدیه در سال ۵۸۵ پیش از میلاد سرزمین ارمنستان را به تصرف خود درآورده باشند.

ب - ارمنستان در دوره هخامنشیان

ادامه حضور مادها در صحنه تاریخ چندان به درازا نکشید زیرا پارسیان به رهبری کوروش از ضعف به وجود آمده در ساختار درونی ماد استفاده کرده و علیه آنان شوریدند. کوروش پس از غلبه بر مادها، شاهنشاهی را بنیان گذارد که مقدر بود تا ۳۳۰ پیش از میلاد (کشته شدن داریوش سوم) بر بخش‌های بزرگی از ایران و آسیای صغیر تا دریای مدیترانه تسلط یابد.

به دنبال شورش پارسیان به رهبری کوروش علیه مادها، چنانچه از کتاب موسی

خورنی (موسی خورنی، ۱۳۸۰: کتاب اول، ۲۴: ۱۰۱) و گزنفون (گزنفون، ۱۳۸۰: کتاب سوم و چهارم: ۷۱ - ۱۲۰) بر می‌آید پادشاهان ارمنستان، ابتدا یرواند ساکاوکیاتس و پس از او جانشینش تیگران، در کنار کورش قرار گرفتند و با بستن پیمان اتحادی با او، بار دیگر مخالفت خود را نسبت به دولت ماد ابراز کرده و از پرداخت خراج و گذاشتن دسته‌های جنگی در اختیار پادشاه ماد خودداری کردند. گزنفون شاه ماد را کیاکسار نامیده است، اما موسی خورنی شاه ماد را اژدهاک نامیده است.^۱ دیاکونوف نیز معتقد است که شاه مزبور کیاکسار نبوده، بلکه آستیگ (اژدهاک) بوده است (دیاکونوف، ۱۳۷۹: ۳۲۲) که صحیح‌تر می‌باشد.

اژدهاک یا «آستیگ» سعی کرد با کشتن تیگران به این اتحاد پایان دهد، اما موفق نشد. در نتیجه تیگران نیز به همراه لشکریانش به جنگ علیه مادها پرداخت و او را شکست داد. در خلال این جنگ‌ها اژدهاک کشته شد و با مرگ او عمر دولت ماد نیز به پایان رسید. براساس برخی روایات ارمنی، این تیگران پادشاه ارمنستان بود که موفق به شکست و کشتن اژدهاک شد (موسی خورنی، ۱۳۸۰: کتاب اول، ۲۹: ۱۰۵ - ۱۰۶؛ پارسامیان و دیگران، ۱۹۶۳: ۱۲۷ - ۱۲۸ به نقل از مانوکیان، ۱۳۸۶: ۱۲۱). در منابع اصلی مثل هرودوت سخنی از فتح ارمنستان توسط کورش نرفته است، اما در کتاب گزنفون *آنا بازیس* از اتحاد ارمنستان با کورش بر ضد مادها سخن رفته است. به‌هرحال آنچه مسلم است اینکه ارمنستان در دوره کورش جزو مستملکات هخامنشیان به‌شمار می‌رفت و کورش با بی‌طرفی بزرگ منشانه هخامنشیان صلحی را بر پادشاهی ارمنیان دیکته کرد که از جمله شامل پرداخت خراج و قرارداد آتش‌بسی میان ارمنیان و آلودریان بود (برنی، لانگ، ۱۳۶۸: ۲۷۹؛ زرین کوب، ۱۳۸۶: ۳۰۴).

کورش پس از تصرف بابل منشور معروف خود را در زمینه احترام به آزادی مذهب و حقوق ملل مغلوب در آنجا صادر کرد که این امر به‌طور قطع شامل ملت ارمنی نیز می‌شد. بنابراین باید گفت در ایامی که دودمان هخامنشی در اوج قدرت خود

۱. موسی خورنی در کتابش اسامی پادشاهان ماد و ارمنستان را ذکر کرده است، برای اطلاعات بیشتر بنگرید به (موسی خورنی، ۱۳۸۰: کتاب اول، ۲۲: ۹۸ - ۹۹).

بود، آرامنه زیر سایه شاهنشاه ایران درآمدند (لانگ، ۱۳۸۳: ۶۱۸). ارمنیان پس از مرگ کمبوجیه و ماجرای گئوماتای دروغین و دستیابی داریوش به تخت سلطنت، به همراه دیگر ایالت‌ها به شورش پرداختند.

در کتیبه معروف داریوش پسر ویشتاسب در بیستون که مربوط به سال ۵۲۱ پیش از میلاد مسیح است، برای نخستین بار به نام ارمنستان بر می‌خوریم. در بند ۶ چنین آمده است: «این (است) کشورهایی که از آن من شدند. به خواست اهوره مزدا من شاه آن‌ها بودم... یونیه، ماد، ارمنستان، کاپادوکیه، پارت...» (Knet, 1950: DBI. 116-118).

داریوش «چنان‌که در بند هفتم تا دوازدهم ستون ۲ کتیبه آمده است» برای دفع شورش ارمنستان ابتدا درشی (دادرشیش) را و سپس وئومیسه را به آنجا می‌فرستد (Knet, 1950: DBII. 121-122). نبردهای ارمنستان هفت ماه به درازا کشید (داندامایف، ۱۳۸۱: ۱۶۳). ظاهراً پس از پنج جنگ توسط سرداران مزبور، داریوش موفق شد تمامی سرزمین ارمنستان را از آن خود کند و این سرزمین را ضمیمه دولت هخامنشی سازد. اما این در حالیست که پادشاه هخامنشی از شکست ارمنستان صراحتاً ذکری به میان نمی‌آورد و شاه دروغزن ارمنی نیز بر نقش برجسته دیده نمی‌شود (پریان، ۱۳۸۷: ۱۷۹). با شکست‌هایی که دادرشیش و سپس وئومیسه به ارمنستان وارد می‌کنند، اما تا رسیدن داریوش به ماد، در ارمنستان می‌مانند. یعنی باز هم از پیروزی خبری نبوده است. داریوش در ادامه بیانیه خود به دیگر نبردهایش می‌پردازد و چنین پیداست که ارمنستان در دست هخامنشیان بوده است. به‌هرحال پس از سرکوب شورش پادشاهی نیمه مستقل ارمنستان توسط داریوش اول، این سرزمین به رده ساتراپ‌نشین‌های شاهنشاهی تنزل پیدا می‌کند (نوری‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۳). این وضعیت تقریباً مدت دو قرن ادامه یافت (سارگسیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۴۲). داریوش اول پس از سرکوب شورش‌ها، به منظور تمرکز و ایجاد ثبات در حکومتش تصمیم گرفت شاهنشاهی را به ایالت‌هایی تقسیم کند. اداره هر ایالت را به فردی که

معمولاً برخاسته از همان ایالت بود، واگذار کرد. البته این ایالت‌ها موظف به پرداخت خراج و همچنین فرستادن نیرو در مواقع ضروری به مرکز شاهنشاهی بودند. هرودوت در کتاب *تورخ* ارمنستان را سیزدهمین ایالت هخامنشی می‌داند که می‌بایست خراجی در حدود چهارصد تالان نقره پرداخت می‌کرد (Herodotus, Book III, XCIII). استرابو در این رابطه می‌نویسد که ارمنستان علاوه بر پرداخت نقدی می‌بایست در حدود بیست هزار کره اسب نیز به دولت هخامنشی تحویل دهد (strabo, XI, 14. 9). بنابراین باید اشاره کرد که براساس کتاب هرودوت ارمنستان سومین ایالت هخامنشیان بود که باید مالیاتی سنگین پرداخت می‌کرد.

در برخی منابع آمده است که فلات ارمنستان در زمان فرمانروایی هخامنشیان به دو شهریان نشین سیزدهم و هجدهم تقسیم شده بود. بنابر کتاب *آنا‌بازیس* گزنفون علاوه بر ارمنستان اصلی که اورونتس «پرواند دوم» بر آن زمان می‌راند، واحد اداری دیگری به نام ارمنستان غربی وجود داشت که تیریازوس شاهزاده آن بود (گزنفون، ۱۳۷۵: کتاب چهارم، فصل سوم و چهارم، ۲۶۷ - ۲۷۶). لیکن در منابع پارسی، مانند سنگ‌نوشته‌های پادشاهان هخامنشی به صورت یک کشور واحد از آن یاد می‌شد (سارگسیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۴۱ - ۴۲).

هرودوت بر حضور نیروهای ارمنی در ارتش خشایارشا در جنگ‌های مدیک با یونانیان تأکید می‌کند و می‌نویسد آن‌ها مسلح به نیزه‌های کوتاه و شمشیر بودند و در دسته پیاده‌نظام به نبرد می‌پرداختند (Herodotus, Book VII, LXXIII). همچنین باید گفت که ارمنیان تنها ملت تحت سلطه امپراتوری هخامنشی بود که از میان ایشان نیز فرمانده برای سپاهیان انتخاب می‌شد چنان‌که از سردارانی که داریوش در کبیله بیستون از آن‌ها نام می‌برد یکی از آن‌ها ارمنی است (پاسدراجیان، ۱۳۶۹: ۳۹).

ساتراپ‌های پارسی ارمنستان - جز برخی استثنائات - همگی از طایفه‌ای بوده‌اند که معمولاً نام اورونتس «پرواند در زبان یونانی» بر خود نهاده‌اند. اینان از اخلاف یک سلسله پادشاهی قدیمی ارمنی بوده‌اند که نام یکی از سلسله‌های آن «پرواند»

بوده است (نوری زاده، ۱۳۷۶: ۴۲؛ سارگسیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۴۲). در ارمنستان نخستین گام در بنیان کردن دولتی متحد را دودمان اورونتیان برداشتند که نوادگان اورونتس، شهربان ارمنستان که گزنفون از او یاد می کند، بودند. این اورونتس حدود ۴۰۱ پیش از میلاد شاهدخت رودگونه، دختر اردشیر دوم، شاهنشاه ایران را به زنی گرفت (لاتنگ، ۱۳۸۳: ۶۱۸).

در جریان برادرکشی میان اردشیر دوم و کورش کوچک که در آن گزنفون با نیروی ده هزار نفر خود نقش مهمی بازی کرد، ارمنیان امکانی برای بازایی استقلالشان تشخیص دادند. اورونتوس در رویارویی های تاج و تخت جانب پدر زنش را گرفته و با کورش کوچک مخالفت ورزید که در درگیری شکست خورد و کشته شد (برنی؛ لاتنگ، ۱۳۸۶: ۲۸۸ - ۲۸۹).

سپس اورونتس با استفاده از ضعفی که از اردشیر دوم در اداره شاهنشاهی مشاهده کرد، اعلام استقلال نمود و از خراج دادن به هخامنشیان اجتناب کرد، اما این استقلال به طول نینجامید؛ چرا که بعد از مدتی اردشیر دوم توانست بر اورونتس غلبه کند، ولی او را عفو کرد و به عنوان ساتراپی «شهربانی» میسیا گماشت. او در سال ۳۴۴ پیش از میلاد درگذشت (لاتنگ، ۱۳۸۳: ۶۱۹). پس از آن امتیاز اداره ارمنستان از خاندان یرواندیان موقتاً سلب شد و تا سال ۳۳۶ پیش از میلاد در آنجا کودومانوس از خاندان هخامنشی فرمانروایی می کرده است که پس از آن، با اسم داریوش سوم تاج پادشاهی ایران را به سر گذاشت. پس از او دوباره حکومت یرواندیان ها در ارمنستان برقرار شد (سارگسیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۴۳ - ۴۴).

در زمان حمله اسکندر به ایران نیز ارمنیان بنا به نوشته کینته کورچه (مورخ رومی قرن اول میلادی) چهل هزار پیاده و هفت هزار سواره به کمک داریوش سوم فرستادند (پاسدروماجیان، ۱۳۶۹: ۲۹). چنان که گفته شد، داریوش سوم پیش از آنکه به سلطنت برسد، ایالت ارمنستان را اداره می کرد. چون در دوران حکومتش بر این ناحیه با مردم در کمال عدل و مروت رفتار کرده بود، مردم این سرزمین با میل و رغبت برای حضور در جمع سپاهیان ایران علیه اسکندر اعلام حضور کردند. سپاهیان ارمنی

زیر فرمان پادشاه خود اورونتس دوم به یاری داریوش سوم آمدند و جناح راست خط نبرد ایرانیان در نبرد آربلا «گوگمل» را تشکیل می‌دادند (لاتگ، ۱۳۸۳: ۶۲۰؛ Bourmoution, 1995: 31). ظاهراً اورونتس دوم، در این پیکار به هلاکت رسید، زیرا اسکندر کبیر لازم دید، میترانیس یکی از پسران او را به ساتراپی ارمنستان بگمارد، که همو به‌عنوان جانشین پدرش بر تخت نشست. البته قابل‌کتمان نیست که رابطه پدر و پسر رابطه مناسبی نبوده است، زیرا میترانیس مسئول اداره شهر سارد در غرب آسیای صغیر بود که در درگیری‌های مقدونی - پارسی، به پارسیان پشت کرد و به‌سوی مقدونیان گریخت. میترانیس در بند اربیل، در مقابل پدر نیز جنگید (برنی؛ لاتگ، ۱۳۸۶: ۲۹۰).

حمله اسکندر برای ارمنستان دو نتیجه بسیار مهم داشت، اول اینکه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نخستین دوران استقلال ارمنستان را با خود آورد (Bourmoution, 1995: 33) و دوم اینکه ارمنستان را در تماس مستقیم با تمدن یونان به نام تمدن هلنی قرار داد (پاسدراجیان، ۱۳۶۹: ۳۱). بنابراین حکومت ارمنستان که در قرن ششم پیش از میلاد برافتاده بود، به دنبال حمله اسکندر نخستین استقلالش را که از سال ۳۲۲ تا ۲۱۵ پیش از میلاد به‌طول انجامید، را به دست آورد و ارمنستان مستقل، پس از آن بود که توانست در برابر هجوم پارتیان و رومیان به دفاع از خود برخیزد.

۵. تأثیر ارمنستان در روابط ایران و روم در دوره سلوکی‌ها و اشکانیان

الف - تأثیر ارمنستان در روابط ایران و روم در دوره سلوکی‌ها

اسکندر مقدونی در اوج قدرت خویش در سن سی و سه سالگی درگذشت. اما میراث فرهنگی و امپراتوری او به زندگی خود ادامه داد. همان‌طور که در مطالب پیشین ذکر کردیم اسکندر پسر اورونتس دوم میترانیس^۱ را که در جنگ گوگمل

1. Mithrenes (Mithrana).

برضد پدر و داریوش سوم جنگیده بود به ساتراپی ارمنستان گمارد. بر همین اساس این ساتراپ بدون شک تا مدت مدیدی به صورت ظاهری و تصنعی مستقل اداره می‌شد. تقریباً تمامی منابع اصلی بر این باورند که اسکندر خود وارد ارمنستان نشد و تسلط بر این سرزمین در زمان جانشینانش (= سلوکی‌ها) آن‌هم به‌طور متناوب، اتفاق افتاد (Encyclopaedia Iranica Garsoian, 2004: زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۳۰۵).

پیرنیا به خاطر اینکه کنت کورث ارمنستان را در فهرست ایالات فتح شده توسط اسکندر ذکر نمی‌کند، می‌نویسد این نظر صحیح می‌باشد، چرا که اسکندر به ارمنستان نرفته است (پیرنیا، ۱۳۷۵: ۱۹۷۰). بنابراین بایستی گفت که این سرزمین در زمان اسکندر جزو دولت او به‌شمار نمی‌آمده است. پس از مرگ اسکندر در ۳۲۳ پیش از میلاد، سرداران پیروزمند او از میراث به دست آمده، حکومت‌هایی برای خود ترتیب دادند که از آن میان سه حکومت بزرگ طی زمان شکل گرفت. حکومت بطلمیوس در مصر، حکومت اعقاب آنتیوکونوس در مقدونیه و یونان و حکومت سلوکوس در آسیای پیشین که به سلوکیان معروف شد (نوری‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۶).

در تقسیم‌بندی ماترک اسکندر، قاعدتاً ارمنستان می‌بایست سهم سلوکوس شود، اما ارمنستان تحت فرمانروایی یک سلسله پادشاهی ملی، اعلام استقلال کرد. جانشینان سلوکوس در طول مدت قرن سوم پیش از میلاد تلاش کردند تا سلطه خود را بر ارمنستان بگسترانند، ولی ارمنستان پیروزمندانه از خود دفاع کرد (پاسدروماجیان، ۱۳۶۹: ۳۳). هر چند آنان از حاکمان ارمنی خراج فراوانی می‌گرفتند که در افزایش لقب استراتگوس را به آنان اهدا کردند که با عنوان کهن ایرانی ساتراپ مطابقت می‌کرد، اما روابط فراتر از این نمی‌رفت (برنی؛ لاتگ، ۱۳۸۶: ۲۹۴). این وضع در ایام فرمانروایی آنتیوخوس سوم سلوکی (۱۸۷ - ۲۲۳ ق.م.) پادشاه بلندپروازی که رویای احیای امپراتوری اسکندر مقدونی را در سر می‌پروراند تغییر یافت. آنتیوخوس وقتی لشکرکشی بزرگ خود را به سمت شرق آغاز کرد، ابتدا با تصرف ارمنستان در سال ۲۱۲ - ۲۱۱ پیش از میلاد شروع کرد (Aperghis, 2004: 24). می‌توان گفت این عمل، اهمیت تسلط بر ارمنستان را نشان می‌دهد که تصرف آنجا و به زیر سلطه